

تعیین زمینه‌های سرمایه‌گذاری بخش خصوصی برای توسعه فعالیت‌های صنایع روستایی در نواحی روستایی شهرستان کرمانشاه

مسعود صفری علی‌اکبری* - دانش‌آموخته دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران
پرویز کردوانی - استاد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، گروه جغرافیا، تهران، ایران
فرزاد مرادی - کارشناس کشاورزی، دانشگاه پیام نور، زابل، ایران

پذیرش نهایی: ۹۰/۹/۲۵

دریافت مقاله: ۸۹/۳/۷



چکیده

نواحی روستایی ایران امروزه با چالش‌های اساسی روبرو می‌باشد یکی از این چالش‌ها بیکاری و پیامدهای منفی می‌باشد. در این راستا روستاهای شهرستان کرمانشاه هم مانند دیگر روستاهای ایران در طی سال‌های اخیر پیوسته با مهاجرت‌های روستا - شهری روبرو بوده است. برای جبران چالش بیکاری در این منطقه توسعه فعالیت‌های مرتبط با صنایع روستایی می‌تواند بسیار مؤثر باشد در همین راستا این تحقیق با هدف بررسی زمینه‌های سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در راستای توسعه صنایع روستایی و تبدیلی و تکمیلی تهیه و تنظیم شده است. روش تحقیق از نوع توصیفی و تحلیلی با تأکید بر پیمایش میدانی و تهیه و تنظیم پرسش‌نامه می‌باشد. اطلاعات جمع‌آوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS مورد پردازش و تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌ها تحقیق بیانگر آن است که بین سطح درآمد و تمایل به سرمایه‌گذاری رابطه‌ای وجود ندارد. بلکه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی بیشتر تحت تأثیر عوامل دیگری مانند حمایت‌های دولتی از قبیل وام و آموزش‌های کارآفرینی و آینده‌شغلی دارد. همچنین از بین ویژگی‌های فردی تنها بین سن و تمایل به سرمایه‌گذاری رابطه معنادار وجود دارد. از یافته‌های دیگر این تحقیق تمایل زیاد پاسخ‌گویان برای فعالیت در بخش صنایع روستایی می‌باشد. در نتیجه گیری ذکر این نکته مهم است که بخش خصوصی تمایل زیادی برای سرمایه‌گذاری در بخش صنایع روستایی دارد اما عوامل تأثیرگذاری مانند پرداخت وام و حمایت‌های بخش دولتی می‌تواند روند سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را بهبود بخشد.

واژگان کلیدی: صنایع روستایی، سرمایه‌گذاری، بخش خصوصی، نواحی روستایی، شهرستان کرمانشاه

۱. مقدمه

مناطق روستایی کشور در دهه‌های گذشته از نظر بنیان‌های اقتصادی از آسیب‌پذیری زیادی برخوردار بودند، این‌گونه تصور می‌شد که با رشد صنعتی در شهرهای بزرگ مناطق روستایی نیز توسعه یابد اما افزایش بیکاری، تشدید فقر و ایجاد شکاف درآمدی بین مناطق شهری و روستایی بیانگر این واقعیت است که بدون تدبیر و تنها از طریق مکانیزم بازار نمی‌توان به گسترش توسعه در مناطق روستایی امید بست. در این راستا یکی از راه‌های کاهش و افزایش زمینه‌های بیکاری و درآمد در مناطق روستایی گسترش فعالیت‌هایی است که به محیط و شرایط محیطی کمتر وابسته باشد از طرفی دیگر کشاورزی در بیشتر نواحی روستایی سنتی است و تا حدود زیادی به محیطی‌های طبیعی وابسته است (یاسوری، ۱۳۸۶: ۱۸۷). تمرکز صنایع در روستاها علاوه بر ایجاد اشتغال و درآمد، سبب کاهش مشکلات مربوط به همجواری صنایع با شهرها نظیر: تراکم شدید جمعیت، مشکلات مربوط به ترافیک، آلودگی‌های زیست محیطی و ... می‌شود (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۲: ۱۵۲). صنعتی‌سازی مناطق روستایی برای ایجاد فعالیت‌های درآمدزا و فرصت‌های شغلی بعنوان راهکاری برای کاهش نابرابری در مناطق فقیر روستایی مورد توجه است (رحیمی، ۱۳۸۳). بی‌شک صنعتی‌شدن قسمتی از راهبرد یکپارچه توسعه است و باید تأکید نمود برای نیل به هدف‌های اجتماعی و برای مبارزه با بیکاری، نابرابری و محدودیت‌های بازار رشد صنعتی ضرورت مطلق است. البته رشدی که گروه‌های ذی‌حق را منتفع سازد (سینگر و دیگران، ۱۳۷۹).

واژه «صنعتی‌شدن» در ادبیات اقتصادی به عنوان کلید توسعه سریع اقتصادی تلقی شده که از طریق آن می‌توان آینده‌ای با امکانات تولیدی بهتر، افزایش فرصت‌های اشتغال، نوسازی فعالیت‌های اقتصادی و یافتن جایگاه مناسب در عرصه بین‌المللی را تحقق بخشید (مهندسین مشاور ورزبوم، ۱۳۸۲: ۱۷). صنعتی‌سازی روستاها با تحول در اقتصاد روستایی از وضعیتی که جمعیت عموماً در تولید کشاورزی فعالیت می‌کند به وضعیتی که در آن فعالیت غیر کشاورزی جایگاه مهمی دارد، شناخته می‌شود (Hannan, 1995:43). به همین دلیل صنعتی‌شدن روستایی جایگاه مهمی در راهبردها و سیاست‌های کشورهای در حال توسعه دارد (Wang, 2001:5) و این کشورها راهبرد صنعتی‌سازی روستاها را از اواسط دهه ۱۹۷۰ در برنامه‌های توسعه خود گنجانده‌اند (رضوانی، ۱۳۸۳: ۱۰۱). سیاست‌های صنعتی‌شدن در این کشورها عموماً با هدف افزایش تولید و ایجاد فرصت‌های شغلی دنبال می‌شود. این اهداف در صنعتی‌شدن روستایی با راهبردهای توسعه روستایی در جهت ایجاد کانون‌های رشد صنعتی در نواحی روستایی آمیخته شده است (Wang, 2001:16).

امروزه یکی از چالش‌های اساسی در فرآیند توسعه نواحی روستایی کشور ایران، مشکل اشتغال و کسب درآمد می‌باشد. زمینه‌های درآمدی در نواحی روستایی در گذشته بیشتر متکی به کشاورزی و زیر مجموعه‌های آن بوده اما امروزه تنوع درآمدی در نواحی روستایی وجود دارد. امروزه روستاها براساس موقعیت جغرافیای خود و پتانسیل‌هایی که دارند زمینه‌های درآمدی متنوعی هم دارند که یکی از آنها ایجاد و توسعه صنایع کوچک مقیاس و صنایع تبدیلی و تکمیلی در نواحی روستایی می‌باشد. اما توسعه صنایع هم نیاز به زیر ساخت‌ها و سرمایه گذاری‌هایی دارد یکی از زمینه‌های سرمایه گذاری می‌تواند توسط بخش خصوصی صورت گیرد. هدف اصلی این مقاله هم بررسی و تمایلات بخش خصوصی ساکن در نواحی روستایی شهرستان کرمانشاه برای سرمایه گذاری در راستای ایجاد و توسعه صنایع روستایی می‌باشد.

۲. بیان مسأله

صنعتی سازی مناطق روستایی برای ایجاد فعالیت‌های درآمدزا و فرصت‌های شغلی بعنوان راهکاری برای کاهش نابرابری در مناطق فقیر روستایی مورد توجه است. نتایج حاصل از تجربه سه دهه گذشته برخی کشورهای آسیایی (چین و هند) مؤید آن است که صنایع کوچک روستایی می‌تواند نقش حیاتی در فرآیند توسعه روستایی ایفا نماید. کشور ایران هم به عنوان یکی از کشورهای در حال توسعه برای تقویت ساختاری خود باید صنایع روستایی را توسعه دهد چرا که رشد صنایع در توسعه مناطق روستایی و تعادل بین شهر و روستا اهمیت زیادی دارد و رشد و توسعه بخش کشاورزی، افزایش درآمد و سطح رفاه روستائیان، کاهش روند مهاجرت از روستا به شهر و استفاده بهینه از منابع موجود در منطقه را به ارمغان خواهد آورد (فرهادیان، ۱۳۸۲).

در استراتژی‌های توسعه روستایی باید به متنوع سازی اقتصاد روستایی و کارآ نمودن آن از طریق ایجاد انواع فعالیت‌های اقتصادی به ویژه صنعتی کردن روستا توجه نمود زیرا تمرکز صنایع در روستاها علاوه بر ایجاد اشتغال و درآمد سبب کاهش مشکلات مربوط به همجواری منابع با شهرها نظیر: تراکم شدید جمعیت، مشکلات مربوط به ترافیک، آلودگی‌های زیست محیطی و ... می‌شود. نواحی روستایی شهرستان کرمانشاه با برخورداری از نیروی انسانی، وجود زمینه‌های مستعد برای سرمایه گذاری چرا باید به عنوان یکی از مناطقی کشور باشد که دارای مهاجرت‌های بی‌رویه روستا شهری باشد. از طرفی بررسی آمارهای منتشر وزارت جهاد کشاورزی بیانگر آن است که صنایع تبدیلی و تکمیلی مرتبط با بخش کشاورزی هم در منطقه ناچیز است، از آنجا که منطقه مورد مطالعه از دیر باز نقش مهمی در کشاورزی استان ایفا نموده و پتانسیل‌های عمده‌ای در

این زمینه دارد در این راستا توسعه واحدهای فرآوری محصولات کشاورزی در کنار توسعه دیگر صنایع در این شهرستان پیش از پیش احساس می‌شود. به نظر می‌رسد یکی از چالش اصلی در راه توسعه انواع صنایع روستایی کمبود سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی است. این تحقیق در راستای پاسخ‌گویی به دو سؤال اصلی زیر صورت گرفته است:

۱. بخش خصوصی تا چه میزان تمایل دارند در نواحی روستایی شهرستان کرمانشاه در راستای ایجاد صنایع سرمایه‌گذاری کنند؟
۲. آیا بین درآمد و تمایل به سرمایه‌گذاری در منطقه مورد مطالعه رابطه وجود دارد؟

۳. مروری بر ادبیات موضوع

امروزه مطالعات زیادی در ارتباط با صنعتی‌سازی و صنایع روستایی در داخل و خارج از کشور صورت گرفته است (رضوانی، ۱۳۸۹، بارانی، ۱۳۸۸، مشیری، ۱۳۸۶، حاج‌نژاد، ۱۳۸۵، مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۵، فرجی، ۱۳۸۰، طاهرخانی، ۱۳۷۹).

صنعتی‌کردن روستاها جهت پیشرفت و استقلال اقتصادی جامعه از اهمیت حیاتی برخوردار است زیرا چنانچه استقرار صنعت محدود به شهرها باشد. چنین توسعه‌ای پایدار نخواهد بود (رائو، ۱۳۶۶: ۱۴۷). صنایع روستایی در واقع صناعی هستند که در نقاط و یا مراکز روستایی مستقر شده و عمدتاً از نیروی کار روستایی استفاده می‌کنند، همچنین این صنایع عموماً پیوندهای بازاری نسبتاً محدودی از لحاظ جغرافیایی دارند (رحیمی، ۱۳۸۳: ۱۱). هدف از صنعتی‌سازی روستاها ایجاد صنایع کوچک و کارآمد در نواحی روستایی است که به اشتغال غیر زراعی و ایجاد درآمد در نواحی روستایی کمک کند. بعلاوه هدف از استقرار این صنایع، بهره‌برداری بهینه از منابع محلی و نیز تقویت موقعیت نهادهای درون منطقه‌ای است (مهندسان مشاور DHV، ۱۳۷۵: ۶۷). صنعتی‌شدن همیشه به عنوان عنصر ضروری رشد و توسعه اقتصادی در نظر گرفته می‌شود و با توجه به اثرات مثبت و متبوع آن بر جامعه و سرانه درآمدی را افراد معیارهای اصلی توسعه اقتصادی به شمار می‌رود (Goshi, 1997: 11). به طور کلی صنعتی‌شدن روستایی از دو دیدگاه مطرح است:

الف) استقرار صنعت در مناطق روستایی: در این دیدگاه موضوع محوری این است که چه نوع صناعی و چگونه باید در مناطق روستایی مستقر شوند. بر اساس این دیدگاه سه الگو برای کمک به صنعتی‌شدن مناطق روستایی وجود دارد:

۱. احداث کارخانه‌های بزرگ در نزدیکی روستاها که مواد مورد نیاز خود را از محصولات کشاورزی روستایی در منطقه تأمین می‌کنند.

۲. حفاظت و تشویق صنایع دستی و محصولات صنعتگران محلی؛
۳. تشویق به ایجاد واحدهای کوچکی که محصولات کشاورزی را فرآوری نموده و یا برخی از نهادهای کشاورزی را تعمیر و یا تولید می‌کنند.

ب) صنعتی کردن مناطق روستایی: این دیدگاه صنعتی شدن روستا را بعنوان فرآیندی تلقی می‌کند که ضمن ایجاد تنوع در فعالیت‌های اقتصادی روستا، آن را به عنوان وسیله‌ای برای ارتقاء شرایط زندگی روستائیان و کمک به توسعه روستایی به شمار می‌آورد. این دیدگاه به صنعتی شدن مناطق روستایی بعنوان وسیله‌ای برای نیل به توسعه اقتصادی- اجتماعی در این مناطق توجه داشته و صنایع روستایی را ابزاری برای تأمین نیازهای جامعه در نظر می‌گیرد (Misra, 1985:3). با این حال بر اساس نظریه‌های مرتبط با صنعتی کردن مناطق روستایی این گونه استنباط می‌شود که صنعتی شدن مناطق روستایی به معنای استقرار صنعت در تمامی مراکز روستایی نیست، بلکه هدف از فرآیند صنعتی شدن ایجاد مجتمع‌ها و نواحی صنعتی در مراکز روستایی منتخب است تا این مراکز بتوانند ضمن بهره برداری از منابع محلی، کانون مناسبی برای تحت پوشش قرار دادن مراکز روستایی پیرامون خود باشند. بدین منظور به نظر می‌رسد که مفهوم صنعتی شدن روستایی تا حدود زیادی می‌تواند مترادف با ایجاد نواحی صنعتی در مناطق روستایی باشد (طاهرخانی، ۱۳۷۹: ۹۶). ناحیه صنعتی روستایی زمین آماده شده‌ای است که در موقعیت مناسب از نظر مرکزیت نسبت به چند روستا استقرار یافته و جهت احداث صنایع روستایی بر اساس طرح جانمایی و مقررات خاص ایجاد می‌گردد و معمولاً تمام یا برخی از تسهیلات و خدمات از قبیل: آب، برق، خیابان‌های دسترسی، آتش نشانی، خدمات عمومی و رفاهی نظیر: بانک، پست، درمانگاه در آن استقرار می‌یابد (رحیم‌نیا، ۱۳۷۱: ۱۹).

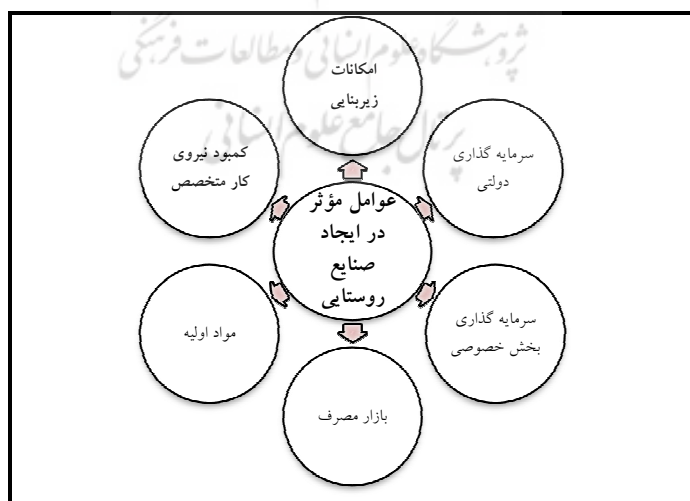
همچنین در زمینه ایجاد نواحی صنعتی سه رویکرد به شرح زیر مطرح است:

۱. نواحی صنعتی و رویکرد تقویت بنیان‌های کشاورزی
 ۲. نواحی صنعتی و رویکرد افزایش درآمد و تقویت سرمایه‌گذاری در مناطق روستایی
 ۳. نواحی صنعتی و رویکرد تمرکز زدایی صنعتی
- به هر حال با هر رویکردی که به توسعه نواحی صنعتی در نواحی روستایی اقدام نماییم، این نواحی می‌توانند آثار مثبت اقتصادی- اجتماعی متنوعی برای روستاها باشند. مطالعات زیادی پیرامون نواحی صنعتی و اثرات و پیامدهای آن در فضاهای جغرافیایی صورت گرفته است (Rizwanul, Esposti, Roberto, 1987, Lee 2002, Floyssand, Sjholt, 2007 and Franco Sotte, 2002)، در ایران هم مطالعاتی از جمله (طاهرخانی، ۱۳۸۰، نجفی‌کانی و مطیعی‌لنگرودی، ۱۳۸۶، تقدیسی، ۱۳۸۶، فرجی سبکبار، ۱۳۸۱)، انجام شده است که نتایج آنها نشان دهنده بهبود وضعیت زندگی روستائیان پس از استقرار نواحی صنعتی در روستاها است. در این مطالعات کمبود و

توزیع نابرابر اراضی کشاورزی از جمله مهمترین موانع توسعه روستایی و عامل اصلی مهاجرت‌های روستایی- شهری قلمداد شده است. از این رو فرصت‌های جدید شغلی و افزایش درآمد دغدغه‌ی اصلی برنامه‌ریزان و وجهه‌ی غالب سیاست‌ها و راهبردهای توسعه روستایی را تشکیل می‌دهد. استقرار صنایع در روستا قادر است فرصت‌های شغلی و درآمدی بیشتر ایجاد کند و از این رو بستر مناسبی را برای توسعه روستایی به شمار می‌آید (حاجی نژاد، ۱۳۸۵: ۲۰). همچنین استقرار صنعت و نواحی صنعتی در محیط روستاها می‌تواند با تقویت بنیان‌های اقتصادی، اشتغالزایی، جذب نیروی مازاد کار و بسیج سرمایه اندک به بهره برداری از منابع و مهارت‌های محلی انجامیده و با شکستن دور باطل فقر، از مهاجرت روستائیان به شهرها جلوگیری کند (صحرایان، ۱۳۸۰: ۴۳ و مشیری، ۱۳۸۶: ۱۸۲).

صنایع روستایی بیش از دیگر صنایع بخصوص صنایع بزرگ اشتغالزا می‌باشند، زیرا این گروه از صنایع سریع تر از صنایع بزرگ ایجاد اشتغال می‌کنند و زمان لازم برای فراهم کردن مقدمات استقرار این صنایع کوتاهتر است (دربان آستانه، ۱۳۸۳: ۴۲). توسعه نواحی صنعتی علاوه بر ایجاد اشتغال پایدار، از طریق جذب نیروی کار فصلی در ماه‌های سرد سال که فعالیت کشاورزی به حداقل می‌رسد، منبع درآمد مکملی برای خانوارهای کم درآمد و آسیب پذیر محسوب می‌شود.

در فرآیند ایجاد و توسعه فعالیت‌های صنعتی در نواحی روستایی عوامل مؤثری دخالت دارند. برخی از این عوامل از جنبه‌های مدیریتی حائز اهمیت می‌باشند و برخی دیگر به عنوان پتانسیل‌های محیطی مطرح می‌باشند (مشیری و آذرباد، ۱۳۸۶).



شکل ۱. عوامل مؤثر بر ایجاد صنایع روستایی

منبع: دربان آستانه، ۱۳۷۹، طاهرخانی، ۱۳۸۰، مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۲

۴. روش شناسی تحقیق

این تحقیق به لحاظ روش از نوع پیمایشی مبتنی بر پرسش‌نامه است. صنایع روستایی به عنوان متغیر مستقل و زمینه‌های سرمایه‌گذاری بخش خصوصی عنوان متغیر وابسته تحقیق در نظر گرفته شده‌اند.

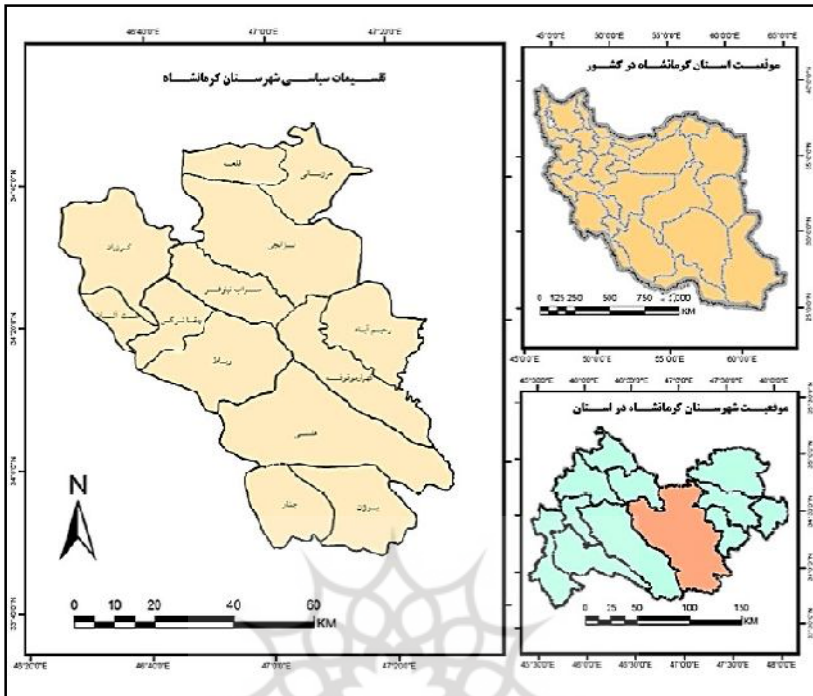
در این راستا هدف اصلی این پژوهش پاسخ‌گویی به دو فرضیه زیر است که:

۱. بخش خصوصی تمایل زیادی برای سرمایه‌گذاری در صنایع روستایی دارند.
۲. به نظر می‌رسد بین درآمد و تمایل به سرمایه‌گذاری در منطقه مورد مطالعه رابطه معناداری وجود دارد.

بدین منظور از کل جامعه آماری یعنی سرپرستان خانوار ساکن در نواحی روستایی شهرستان کرمانشاه که برابر با ۳۶۰۴۷ خانوار می‌باشند از طریق روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبی با حجم نمونه ۳۲۰ نفر (روش کوکران) استفاده شد. بر اساس هدف تحقیق و بررسی اولیه میدانی، روستاهای شهرستان کرمانشاه به عنوان واحد تحلیل و منطقه مورد مطالعه انتخاب شدند. به منظور تحلیل و استنتاج، بسته به نوع داده، مقیاس متغیرها و اهداف مورد نظر از روش آماری توصیفی نظیر: میانگین، روش‌های تحلیل آماری نظیر: کای اسکوئر، همبستگی و فریدمن و استفاده شده است.

۵. محدوده مورد مطالعه

شهرستان کرمانشاه با وسعت تقریبی ۸۵۴۷ کیلو مترمربع مرکز استان کرمانشاه می‌باشد. از شمال باختری به شهرستان کامیاران، از باختر به شهرستان‌های پاوه و اسلام‌آباد غرب، از جنوب به شهرستان شیروان و چرداول، از خاور به شهرستان‌های بیستون و هرسین و از شمال خاوری به شهرستان سنقر محدود می‌شود. شهرستان کرمانشاه، بین ۴۷ درجه و ۴ دقیقه تا ۴۷ درجه و ۱۶ دقیقه طول شرقی و ۳۴ درجه و ۱۶ دقیقه تا ۳۴ درجه و ۳۳ دقیقه عرض شمالی قرار دارد (شکل ۲). ارتفاع متوسط این شهرستان ۱۴۱۰ متر از سطح دریا است و دارای چهار بخش: مرکزی، فیروزآباد، کوزران و ماهیدشت، سیزده دهستان، ۸۱۵ روستا و جمعیتی برابر ۹۶۷۱۹۶ نفر در سال ۱۳۸۵ بوده است.



شکل ۲. جایگاه محدوده مورد مطالعه در تقسیمات کشوری

۶. یافته‌ها

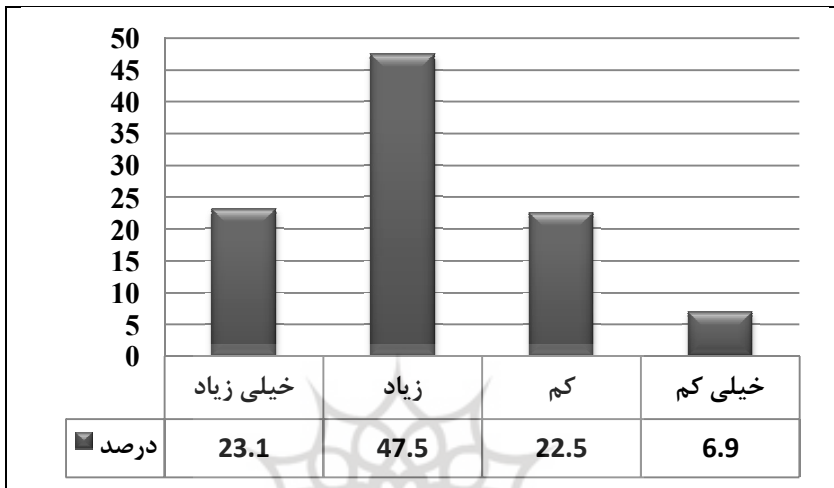
۶-۱. ویژگی‌های فردی و عمومی پاسخ‌گویان

بررسی ویژگی‌های فردی پاسخ‌گویان بیانگر آن است که از کل پاسخ‌گویان ۹۱/۴ درصد مرد و ۵/۹ درصد را هم زنان و ۲/۷ درصد هم جنسیت خود را عنوان نکرده‌اند و در مجموع ۲۰ درصد از پاسخ‌گویان مجرد و ۸۰ درصد هم متأهل می‌باشند. میانگین تعداد اعضای خانوارهای پاسخ‌گو ۵/۱ نفر و در مجموع بیش از ۸۰ درصد از کل پاسخ‌گویان کمتر از دیپلم سواد دارند.

۶-۲. تمایل به سرمایه‌گذاری بخش خصوصی

درآمد یکی از مهم‌ترین عامل تاثیر گذار در سرمایه‌گذاری می‌باشد در همین راستا بررسی وضعیت درآمدی پاسخ‌گویان بیانگر آن است که در مجموع ۹/۱ درصد بیش از ۷۰۰ هزار تومان، ۱۶/۳ درصد بین ۵۰۰ تا ۷۰۰ هزار تومان و ۷۴/۶ درصد هم کمتر از ۵۰۰ هزار تومان در ماه درآمد دارند.

بررسی‌های میدانی در ارتباط با تمایل به سرمایه‌گذاری توسط بخش خصوصی برای ایجاد و توسعه صنایع روستایی در نواحی روستایی شهرستان کرمانشاه بیانگر آن است که ۲۳/۱ درصد از کل پاسخ‌گویان گزینه خیلی زیاد، ۴۷/۵ درصد زیاد، ۲۲/۵ درصد کم و ۶/۹ درصد خیلی کم را انتخاب کرده‌اند.



شکل ۳. نظرات پاسخ‌گویان در ارتباط با تمایلات بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۸۹

یکی از عواملی که در ارتباط با سرمایه‌گذاری بخش خصوصی باید پیوسته مورد بررسی قرار گیرد، بررسی توان سرمایه‌گذاری از طرف بخش خصوصی می‌باشد. در این راستا یافته‌های مستخرج از مطالعات میدانی بیانگر آن است که وضعیت توان سرمایه‌گذاری از طرف بخش خصوصی در منطقه پایین است به طوری که از کل پاسخ‌گویان در مجموع ۷۲/۸ درصد گزینه کم و خیلی را انتخاب کرده‌اند این در حالی است که ۲۷/۲ زیاد و خیلی زیاد را انتخاب کرده‌اند. بررسی سطح معناداری محاسبه شده در ناحیه آلفای ۰.۰۵ بیانگر توافق معناداری در بین پاسخ‌گویان است (جدول ۲). همچنین میانگین بدست آمده ۱/۷ با توجه به طیف چهارگانه پایینتر از حد متوسط (۲) می‌باشد. پایین بودن توان سرمایه‌گذاری در نزد روستائیان منطقه می‌تواند تحت تأثیر وضعیت شغلی، ثبات شغلی و مهمتر از همه وضع درآمد سرپرستان خانوار باشد.

جدول ۲. وضعیت توان سرمایه‌گذاری از طرف بخش خصوصی در منطقه

شرح	تعداد مشاهدات	درصد مشاهدات	مورد انتظار	باقیمانده
بسیار کم	۱۲۰	۳۷/۵	۸۰	۴۰
کم	۱۱۳	۳۵/۳	۸۰	۳۳
زیاد	۶۷	۲۰/۹	۸۰	۱۳-
بسیار زیاد	۲۰	۶/۳	۸۰	۶۰-
کل	۳۲۰			
مقدار کای اسکوئر	۸۸.۰۴۴			
درجه آزادی	۳			
میانگین	۱.۷			
سطح معناداری	۰.۰۰۰			

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۸۹

تمایل به فعالیت صنعتی به عنوان یکی از پارامترهای مؤثر در تعیین زمینه‌های سرمایه‌گذاری به شمار می‌آید زیرا در برخی از موارد سرمایه‌گذار وجود دارد ولی به دلیلی عدم تمایل به فعالیت در بخش صنعت و صنایع روستایی، در بخش‌های دیگر و یا در محیط‌های جغرافیایی دیگر سرمایه‌گذاری می‌کند در این راستا یافته‌ها بیانگر آن است که در مجموع ۵۰/۶ درصد از پاسخ‌گویان گزینه بسیار زیاد، ۳۶/۳ درصد گزینه زیاد، را انتخاب کرده‌اند این در حالی است که تنها ۱۳/۱ درصد اذعان داشته‌اند که تمایل کمی برای فعالیت در بخش صنایع روستایی را دارند (جدول ۳). این در حالی است که محاسبه میانگین در ارتباط با تمایل به فعالیت صنعتی برابر با ۳/۳ می‌باشد که میانگین بدست آمده تا میانه نظری رقم بالاتری را نشان می‌دهد همچنین سطح معناداری محاسبه شده در ناحیه آلفای ۰.۰۵ برابر با ۰.۰۰۰ می‌باشد که حاکی از توافق معنادار در این زمینه در بین پاسخ‌گویان می‌باشد در واقع بیانگر آن است که اکثریت پاسخ‌گویان تمایل زیادی برای فعالیت در بخش صنایع روستایی دارند.

جدول ۳. نتایج آزمون کای اسکوئر برای درک نظرات پاسخ‌گویان در ارتباط با تمایل به فعالیت صنعتی

بیشترین	کمترین	انحراف معیار	میانگین	تعداد	تمایل به فعالیت صنعتی		
					شرح	تعداد مشاهدات	درصد مشاهدات
۴	۱	۰.۷۹۸۸	۳.۳	۳۲۰			
					تعداد مورد انتظار	باقیمانده	
					۸۰	۶۸ -	
					۸۰	۵۰ -	
					۸۰	۳۶	
					۸۰	۸۲	
				۳۲۰		کل	
				۳۰۰.۱۸۹		مقدار کای اسکوئر	
				۳		درجه آزادی	
				۰.۰۰۰		سطح معناداری	

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۸۹

برای درک اولیه در سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مرتبط با صنایع روستایی ۵ گروه عمده از صنایع مانند: نساجی، تبدیلی و تکمیلی، صنایع غذایی، صنایع دستی و کارگاهی انتخاب و نظرات پاسخ‌گویان با استفاده از آزمون فریدمن مورد بررسی قرار گرفته است که بر اساس یافته‌ها صنایع کارگاهی با میانگین ۱/۸ در اولویت اول قرار می‌گیرد، همچنین صنایع دستی با میانگین ۲/۳، صنایع تبدیلی و تکمیلی با میانگین ۳، صنایع غذایی با میانگین ۳/۳ و در نهایت صنایع نساجی با میانگین ۴/۳ در اولویت‌های بعدی قرار دارد. در این زمینه سطح معنی‌داری محاسبه شده (۰.۰۰۰) بیانگر آن است که اکثریت پاسخ‌گویان با یکدیگر هم عقیده هستند (جدول ۴).

جدول ۴. بررسی تمایلات ساکنین برای اولویت‌های سرمایه‌گذاری

بیشترین	کمترین	انحراف معیار	تعداد	شرح
۵	۱	۱۱۱۰.۱	۳۱۵	صنایع نساجی
۵	۱	۹۱۵۸.	۳۱۵	صنایع تبدیلی و تکمیلی
۵	۱	۹۳۵۸.	۳۱۵	صنایع دستی
۵	۱	۲۵۱۶.۱	۳۱۵	صنایع غذایی
۵	۱	۳۳۹۱.۱	۳۱۵	صنایع کارگاهی

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۸۹

جدول ۵. نتایج آزمون فریدمن برای بررسی اولویت‌های سرمایه‌گذاری

میانگین طبقات	شرح
۴.۳	صنایع نساجی
۳	صنایع تبدیلی و تکمیلی
۲.۳	صنایع دستی
۳.۳	صنایع غذایی
۱.۸	صنایع کارگاهی
۴۵۸.۳۴۶	مقدار کای اسکور
۴	درجه آزادی
۰.۰۰۰	سطح معناداری
۳۱۵	تعداد مشاهدات

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۸۹

نتایج آزمون فریدمن برای بررسی وضعیت کلی سرمایه‌گذاری بیانگر آن است که از پنج وضعیت سرمایه‌گذاری مطرح شده تنها سرمایه‌گذاری اوراق مشارکت می‌باشد که توسط هیچ یک از سرمایه‌گذاران در اولویت قرارنگرفت همچنین بررسی میانگین بدست آمده در ارتباط با هر یک از سرمایه‌گذاری‌ها بیانگر آن است که سرمایه‌گذاری در قالب تعاونی با میانگین ۲ در اولویت می‌باشد و در رتبه بعدی سرمایه‌گذاری شخصی با میانگین ۲/۲ قرار دارد (جداول ۶ و ۷).

جدول ۶. تمایلات جامعه نمونه در ارتباط با نوع سرمایه‌گذاری

بیشترین	کمترین	انحراف معیار	تعداد	شرح
۵	۱	۰.۳۹۶.۱	۲۷۲	سرمایه‌گذاری‌های شخصی
۵	۱	۱۹۵۱.۱	۲۷۲	سرمایه‌گذاری‌های شراکتی
۴	۱	۰.۷۶۳.۱	۲۷۲	سرمایه‌گذاری در قالب تعاونی
۵	۲	۶۴۵۱.	۲۷۲	سرمایه‌گذاری اوراق مشارکت
۵	۱	۲۹۲۱.۱	۲۷۲	سایر

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۸۹

جدول ۷. نتایج آزمون فریدمن برای درک اولویت روش‌های سرمایه‌گذاری

میانگین طبقات	شرح
۲.۲	سرمایه‌گذاری‌های شخصی
۲.۶	سرمایه‌گذاری‌های شراکتی
۲	سرمایه‌گذاری در قالب تعاونی
۳.۸	سرمایه‌گذاری اوراق مشارکت
۴.۳	سایر
۲۷۲	مقدار کای اسکوتر
۱۰۹.۴۵۵	درجه آزادی
۴	سطح معناداری
۰.۰۰۰	تعداد مشاهدات

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۸۹

در ارتباط با سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در قبال دریافت وام برابر با $\frac{3}{3}$ و تمایل کلی سرمایه‌گذاری بخش خصوصی برابر با $\frac{2}{8}$ است. این یافته‌ها در واقع بیانگر تمایلات بسیار زیاد بخش ساکنین ساکن در نواحی روستایی در راستای توسعه و ایجاد انواع صنایع دستی می‌باشد نکته مهم در این یافته این است که اگر حتی وام‌های درازمدت با بهره کم را هم از این فرآیند حذف کنیم که بنظر می‌رسد یک عامل تأثیر گذار می‌باشد باز هم این تمایلات در سطح بالا وجود دارد ($\frac{2}{8}$).

جدول ۸. وضعیت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی

شرح	سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در قبال دریافت وام	تمایل کلی سرمایه‌گذاری بخش خصوصی
تعداد مشاهدات	۳۲۰	۳۲۰
میانگین	۳.۳	۲.۸
انحراف معیار	۵۸۹۵.	۸۴۶۳.
واریانس	۳۸۴.	۷۱۶.
کمترین	۲	۱
بیشترین	۴	۴

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۸۹

۳-۶. رابطه بین درآمد و تمایل به سرمایه‌گذاری

امروزه میزان درآمد و سرمایه اولیه بخش خصوصی نقش زیادی در توسعه انواع سرمایه‌گذاری‌ها دارد در این راستا این متغیر به عنوان یک متغیر کلیدی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

برای بررسی رابطه بین میزان درآمد و هر یک از متغیرهای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در قبال دریافت وام و تمایل کلی برای توسعه سرمایه‌گذاری، در تحقیق حاضر از ضریب همبستگی استفاده شده است. ابتدا بین این دو معیار میزان درآمد و سرمایه‌گذاری کلی، ضریب همبستگی و سطح معناداری ۰/۹۷۹ است. از آنجا که سطح معناداری از میزان خطای ۰/۰۵ بیشتر است، بنابراین می‌توان گفت بین دو معیار میزان درآمد و سرمایه‌گذاری با یکدیگر همبستگی وجود ندارد. این وضعیت در مورد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در قبال دریافت وام با شدت کمتری حاکم است. در مجموع می‌توان این‌گونه تحلیل کرد که درآمد روستائیان تأثیر چندانی در تمایل به سرمایه‌گذاری ندارد بلکه سرمایه‌گذاری مکانیزمی گسترده‌تر است که به عوامل مهم‌تر دیگری مانند امنیت شغلی، حمایت بخش دولتی، همکاری نهادهای مرتبط و امیدواری به آینده سرمایه‌گذاری در آن زمینه دارد.

جدول ۹. بررسی سطح رابطه بین درآمد و تمایل به سرمایه‌گذاری

متغیر	شرح	سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در قبال دریافت وام	تمایل کلی سرمایه‌گذاری بخش خصوصی
سطح درآمد	مقدار رابطه	۰-۳۲	۰-۰۱
	سطح معناداری	۵۶۸	۹۷۹
	تعداد مشاهدات	۳۲۰	۳۲۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۸۹

۶-۴. رابطه بین ویژگی‌های فردی و تمایل به سرمایه‌گذاری

امروزه در مباحث کارآفرینی برای تولید و سرمایه‌گذاری در زمینه‌های خاص به خصوص در فضاهای روستایی تابع ویژگی‌های فردی و به نوعی ذاتی افراد سرمایه‌گذار می‌باشد به همین دلیل در این پژوهش چهار مورد از ویژگی‌های فردی تأثیر گذار مانند: سن، جنس، سطح سواد و وضعیت تأهل در رابط با سرمایه‌گذاری بخش خصوصی مورد بررسی قرار گرفته است که ابتدا بین این دو معیار سن و سرمایه‌گذاری کلی، ضریب همبستگی برابر با ۰/۱۷۲ و سطح معناداری ۰/۰۰۲ است. از آنجا که سطح معناداری از میزان خطای ۰/۰۵ کمتر است، بنابر این می‌توان گفت بین دو متغیر میزان سن و سرمایه‌گذاری با یکدیگر همبستگی وجود دارد.

اما رابطه همبستگی بین جنس و تمایل به سرمایه‌گذاری برابر با ۰-۰۷۰- و سطح معناداری محاسبه شده هم برابر با ۰/۲۱۰ می‌باشد. از آنجایی که میزان خطاب محاسبه شده بزرگتر از ۰/۰۵ می‌باشد می‌توان ادعا کرد که هیچ رابطه‌ای بین دو معیار وجود

ندارد این یافته بیانگر آن است که در برخی از موارد زنان هم می‌توانند سرمایه گذاران موفق‌تری در راستای توسعه فعالیت‌های صنعتی در روستاها باشند. همچنین بین سطح سواد و وضعیت تأهل و تمایل به سرمایه گذاری رابطه معناداری وجود ندارد. در مجموع بر اساس یافته‌های مستخرج از پرسش‌نامه این گونه می‌توان استنباط کرد که تنها بین سن و تمایل به سرمایه گذاری بخش خصوصی رابطه وجود دارد و در بقیه موارد بین خصوصیات فردی و تمایل به سرمایه گذاری رابطه‌ای وجود ندارد در واقع می‌توان این گونه تحلیل کرد که سرمایه گذاری بخش خصوصی تابع عوامل تأثیر گذارتر دیگری می‌باشد.

جدول ۱۰. بررسی رابطه بین متغیرهای فردی و تمایل به سرمایه گذاری

متغیرها	شرح	تمایل کلی سرمایه گذاری بخش خصوصی
سن	مقدار رابطه	.170**
	سطح معناداری	.002
	تعداد مشاهدات	320
جنس	مقدار رابطه	-.070
	سطح معناداری	.210
	تعداد مشاهدات	320
سطح سواد	مقدار رابطه	.070
	سطح معناداری	.210
	تعداد مشاهدات	320
تاهل	مقدار رابطه	.012
	سطح معناداری	.835
	تعداد مشاهدات	320

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۸۹

۷. نتیجه‌گیری

امروزه با تغییر ساختار اقتصادی روستاها و محدود شدن فعالیت‌های کشاورزی با توجه به مشکلات آب و مهاجرت‌های روستایی تغییر منابع درآمدی در نواحی روستایی را الزام بخشیده است. یکی از این منابع درآمدی در راستای ایجاد اشتغال و کسب درآمد در نواحی روستایی فعالیت‌های مرتبط با صنایع روستایی و صنایع تبدیلی و تکمیلی در نواحی روستایی می‌باشد.

هدف اصلی این تحقیق بررسی میزان تمایل بخش خصوصی برای سرمایه گذاری در راستای ایجاد و توسعه صنایع در نواحی روستایی شهرستان کرمانشاه می‌باشد.

یافته‌ها تحقیق بیانگر آن است که هرچند بخش خصوصی تمایل زیادی به فعالیت در بخش صنایع روستایی دارند (۳/۳) اما توان زیادی برای سرمایه‌گذاری در این بخش ندارند (۱/۷).

یافته‌های دیگر نشان دهنده آن است که از پنج وضعیت سرمایه‌گذاری مطرح شده تنها سرمایه‌گذاری اوراق مشارکت می‌باشد که توسط هیچ یک از سرمایه‌گذاران در اولویت قرار نگرفت. همچنین بررسی میانگین بدست آمده در ارتباط با هر یک از سرمایه‌گذاری‌ها بیانگر آن است که سرمایه‌گذاری در قالب تعاونی با میانگین ۲ در اولویت می‌باشد و در رتبه بعدی سرمایه‌گذاری شخصی با میانگین ۲/۲ قرار دارد.

در ارتباط با سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در قبال دریافت وام برابر با ۳/۳ و تمایل کلی سرمایه‌گذاری بخش خصوصی برابر با ۲/۸ است این یافته‌ها در واقع بیانگر تمایلات بسیار زیاد بخش ساکنین ساکن در نواحی روستایی در راستای توسعه و ایجاد انواع صنایع دستی می‌باشد. نکته مهم در این یافته این است که اگر حتی وام‌های درازمدت با بهره کم را هم از این فرآیند حذف کنیم که بنظر می‌رسد یک عامل تأثیر گذار می‌باشد باز هم این تمایلات در سطح بالا وجود دارد.

در نهایت برای بررسی رابطه بین ویژگی‌های فردی و درآمد با تمایل به سرمایه‌گذاری یافته‌ها بیانگر آن است که بین سطح درآمد و تمایل به سرمایه‌گذاری رابطه‌ای وجود دارد یعنی سرمایه‌گذاری افراد به عوامل تأثیر گذار مانند: امنیت شغلی، بازاریابی و حمایت‌های دولتی دارد. همچنین از بین ویژگی‌های فردی تنها بین سن و تمایل به سرمایه‌گذاری رابطه معنادار وجود دارد.

به هر جهت بررسی تمایلات بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در فضاهای روستایی از نکات مهمی است که پیوسته باید مورد توجه برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران مربوطه باشد. در مجموع یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که بخش خصوصی ساکن در نواحی روستایی شهرستان کرمانشاه تمایل زیادی برای سرمایه‌گذاری در این بخش دارد.

شناسایی سرمایه‌گذاران بخش خصوصی در منطقه مورد مطالعه و جذب سرمایه‌گذاران خارج از منطقه در راستای سرمایه‌گذاری در منطقه و تسهیل کردن فرآیند دریافت وام و شرایط بازپرداخت و در نهایت کمک به فرآیند بازاریابی محصولات تولیدی بنگاه‌های کوچک مقیاس در سطح منطقه می‌تواند روند توسعه صنایع روستایی را بهبود بخشد برای مثال واگذاری تسهیلات و وام‌های دراز مدت با بهره کم می‌تواند یکی از ابزارهای تأثیر گذار بهبود سرمایه‌گذاری توسط بخش خصوص می‌باشد در این راستا همکاری بین بانک‌ها و نهادهای مرتبط با توسعه صنایع روستایی از الزامی‌ترین فعالیت‌ها می‌باشد. همچنین بهبود و تسهیل در روند استعلامات و اخذ مجوزهای لازم می‌تواند انگیزه‌های سرمایه‌گذاری را افزایش دهد.

۸. منابع

۱. بارانی، وحید، ۱۳۸۹، امکان‌سنجی توسعه صنایع روستایی در شهرستان عجب‌شیر، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران به راهنمایی دکتر مسعود مهدوی.
۲. حاجی‌نژاد، علی، عسگری، علی، اصغر پور، حسین و محمدزاده، پریز، ۱۳۸۵، بهره‌وری صنایع روستایی در استان سیستان و بلوچستان، جغرافیا و توسعه پاییز و زمستان، ۴ (پیاپی ۸).
۳. دربان‌آستانه، علیرضا، ۱۳۸۳، مفاهیم و مبانی ساماندهی صنایع در نواحی روستایی، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، تهران.
۴. وزارت جهاد کشاورزی، دفتر صنایع تبدیلی و تکمیلی، اداره نواحی صنعتی، ۱۳۸۴، گزارش اجمالی از نواحی صنعتی روستایی کشور، تهران.
۵. رحیم‌نیا، فریبرز، ۱۳۷۱، نقش صنایع روستایی در رشد و توسعه کشور، وزارت جهاد سازندگی، تهران.
۶. رحیمی، عباس، ۱۳۸۳، تبیین ویژگی‌های صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی و صنایع روستایی، وزارت جهاد کشاورزی.
۷. رضوانی، محمدرضا، رمضانزاده، مهدی و مرتضی محمدپور جابری، ۱۳۸۹، تحلیل اثرات اقتصادی-اجتماعی نواحی صنعتی در توسعه نواحی روستایی (مورد: ناحیه صنعتی سلیمان آباد تنکابن)، جغرافیا و توسعه تابستان ۱۳۸۹، ۸ (پیاپی ۱۸).
۸. رضوانی، محمد رضا، ۱۳۸۳، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، نشر قومس، تهران.
۹. رضویان، محمدتقی، ۱۳۷۴، صنایع روستایی و نقش آن در اقتصاد ملی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۱۳۳.
۱۰. رضویان، محمد تقی، ۱۳۷۶، مکان‌گزینی واحدهای صنعتی، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.
۱۱. سازمان ملل متحد، ۱۳۶۶، بررسی وضعیت صنایع کوچک در آسیا و اقیانوسیه (بولتن شماره ۱۹)، ترجمه کمیته صنایع روستایی دفتر مرکزی جهاد سازندگی، تهران.
۱۲. صحراییان، سید، ۱۳۸۰، اقتصاد ایران، سازماندهی صنایع کوچک، طرحی در بازسازی اقتصاد ایران، انتشارات معارف، تهران.
۱۳. طاهرخانی، مهدی، ۱۳۷۹، صنعتی شدن روستاها، سنگ بنای استراتژی آینده توسعه روستایی، وزارت جهاد کشاورزی، اداره کل طرح‌های صنعتی و بهره‌وری، تهران.
۱۴. طاهرخانی، مهدی، ۱۳۷۹، نقش نواحی صنعتی در توسعه مناطق روستایی (مطالعه موردی: نواحی صنعتی روستایی استان مرکزی)، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۳۳.
۱۵. فرجی سبکبار، حسنعلی، ۱۳۸۰، برنامه‌ریزی صنایع روستایی، تحلیل فضایی صنایع روستایی شهرستان مشهد با استفاده از GIS، راهنما سید حسن مطیعی لنگرودی، دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۶. مشیری، سید رحیم، آذرباد، نسرین، ۱۳۸۶، پیامدهای استقرار نواحی صنعتی در مناطق روستایی: مطالعه موردی روستای کمرد در دهستان سیهرود شهرستان تهران، روستا و توسعه پاییز ۱۳۸۶، ۱۰ (۳).
۱۷. مطیعی لنگرودی، سید حسن، ۱۳۸۲، جغرافیای اقتصادی (صنایع)، انتشارات جهاد دانشگاهی، مشهد.
۱۸. مطیعی لنگرودی، سید حسن، ۱۳۸۰، اثرات اجتماعی - اقتصادی شهرک‌های صنعتی روستایی، شهرک صنعتی مشهد، تحقیقات جغرافیایی، سال ۱۶، شماره ۶۱.
۱۹. مطیعی لنگرودی، سید حسن، ۱۳۸۲، برنامه‌ریزی روستایی با تأکید بر ایران، انتشارات جهاد دانشگاهی، مشهد.
۲۰. مطیعی لنگرودی، سید حسن، نجفی کانی، علی‌اکبر، ۱۳۸۶، بررسی و ارزیابی شهرک‌ها و نواحی صنعتی در توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق روستایی نمونه موردی: شهرستان بابل، پژوهش‌های جغرافیایی زمستان ۱۳۸۵، شماره ۳۸.

۲۱. مهندسان مشاور DHV ، ۱۳۷۱، رهنمودهایی برای برنامه‌ریزی مراکز روستایی، ترجمه سید ابوطالب فنایی و دیگران، جلد اول، سلسله انتشارات روستا و توسعه، تهران.
۲۲. مهندسین مشاور ورزبوم، ۱۳۸۲، مطالعه، بررسی، ارزیابی و نقد عملکرد ۱۷۰ ناحیه صنعتی روستایی کشور، جلد اول، مباحث نظری نواحی روستایی در جهان و ایران، وزارت جهاد کشاورزی، معاونت صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی، دفتر امور صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی، تهران.
۲۳. وثوقی، لیلا، ۱۳۸۵، نقش صنایع در توسعه روستایی، مطالعه موردی، بخش مرکزی شهرستان دماوند، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران به راهنمایی دکتر سید حسن مطیعی لنگرودی.
۲۴. یاسوری، مجید، ۱۳۸۵، مقدمه‌ای بر اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی، انتشارات جهاد دانشگاهی، مشهد.

25. Esposti, R. & Franco S., 2002, **Institutional structure, industrialization and rural development: An evolutionary interpretation of the Italian experience**, Vol. 33, Iss. 1; pg. 3, 39
26. Floysand, A. & Peter Sjøholt., 2007, **Rural Development and Embeddedness: The Importance of Human Relations for Industrial Restructuring in Rural Areas**, Oxford: Vol. 47, Iss. 3; pp. 205-218
27. Hannan, K., 1995, **China, modernization and the goal of prosperity: government administration and economic policy in late 1980s**. Cambridge: Cambridge university press.
28. Hare, D., 1992, **Rural non-agricultural employment, earnings, and income: evidence from farm households in southern china**. Stanford University.
29. Joshi, M & Bliss, J., 1997, **Industrial recruitment policy and rural development: A case study of pulp and paper industry in Alabama**. A dissertation submitted to the Graduate faculty of auburn university.
30. Misra, R.P., 1985, **Rural industrialization in Third World Countries**, Sterling Publishers, New Delhi, p332.
31. Osborne, B., 2004, **Commonlands, mineral rights and industry: changing evaluations in an industrializing society**, Journal of Historical Geography, Volume 4, Issue 3, Pp231-249
32. Scott, R., 2002, **Rural Industrialization and Increasing Inequality: Emerging Patterns in China's Reforming Economy**
33. Wang, Xiaojian; Cameron, G., 2001, **Practicum report rural industrialization in china**. Saint Mary's University (Canada), 2001. MQ65748.
34. Yao, Yang., 1999, **Rural industry and labor market integration in eastern china**, Journal of development economics, vol. 59, issue. 2, pp. 463-496.